

۱۰ ماه شکنجه و زندانی شدن مادر و دختر در خانه خودشان!



بیرم و من خواهر و مادرم را زیر بار کتک می گرفتیم. با توجه به ادعاهای جنون آمیز حسین، مأموران وی را برای تست روانپزشکی به بیمارستان روزبه بردند که آزمایشات نشان می داد او بیرون پرونده به مردم آسیب می زند و به همین خاطر نمی گذاشتیم بیرون بروند و گاهی نیز صدای او را می شنیدیم که می گفت آنها را از بین ببرم.

مرا فریب داده بود. در ادامه تحقیقات خواهر مرد شرور نیز به پلیس گفت: چندین بار خواستم به نوعی به پلیس خبر بدهم که برادرم جنون گرفته و ما را در اتاق کوچکی زندانی کرده است ولی وی با کتکها و آزارهای روحی و روانی که می داد تهدیدمان می کرد و ما جرات این کار را نداشتیم تا اینکه از شدت گرسنگی مجبور شدیم به هر طریقی شده پلیس را در جریان بگذاریم. وی در ادامه افزود: برادرم چندین هفته است که فقط به ما نان می دهد و با توجه به تمام شدن مواد غذایی وی هیچ امکاناتی در اختیارمان قرار نداده بود. در ادامه پسر شرور وقتی وارد حیاط شد و با پلیس روبه رو شد پا به فرار گذاشت و از دست پلیس گریخت. با توجه به فرار «حسین» تیمی از پلیس مأموریت یافت ردی از این پسر ناخلف بگیرد. بر این اساس پس از چند روز تعقیب و مراقبت پلیس در یک عملیات ضربتی حسین را در پاتوق شیشه ای اش دستگیر کرد و در بازرسی از وی یک چاقو و مقداری شیشه به دست آورد. پسر تیکه دار بازجویی ها به پلیس گفت: من کار خلافی نکرده ام و اجازه ندادم که مادر و خواهرم بیرون بیایند و این جرم نیست!

است، وی پس از اینکه معنای به شیشه شد، زندگی من و دخترم را تیره و تار و رفتارهایش زندگی ما را سخت و طاقت فرسا کرد. وی در ادامه افزود: پسر ما را در خانه زندانی کرده بود و تلفن خانه را هم وقتی خودش به خانه نبود گهگاهی قطع می کرد تا با کسی ارتباط نداشته باشیم، وی پس از مصرف شیشه به من و دخترم به چشم شیطان نگاه می کرد و ما را زیر کتک می گرفت و تا حد مرگ می زد، پسر بیشتر اوقات ما را در اتاق کوچکی زندانی کرده بود و تهدید می کرد اگر ماجرای برای کسی تعریف کنیم ما را خواهد کشت. زن زجر دیده در ادامه گفت: پسر مرا مجبور می کرد اگر یکی از بستگان به ما زنگ زد بسیار عادی رفتار کنم و طوری وانمود کنم که بسیار راحت هستیم و هیچ مشکلی در زندگی نداریم و اگر غیر از این حرفی می زدم من یا دخترم را زیر کتکهای خود می گرفت. وقتی این زن در حال بیان ۱۰ ماه زندانی بودن طاقت فرسایش بود همسایه ها داخل حیاط خانه وی جمع شدند و هر یک برای آرام کردن این زن و دخترم آنان را در آغوش خود می گرفتند. یکی از همسایه ها که فکرمی کرد «زهرا» در مسافرت شهرستان است به پلیس گفت: چندین بار از پسر این زن که حسین نام دارد سراغ مادر و خواهرش را گرفته ام که وی ادعا کرده بود آنان به شهرستان رفته اند و در آنجا زندگی می کنند ولی الان متوجه شده ام که با دروغ هایش

گروه حوادث - چندی قبل دختر جوانی وقتی از کوچه هم مدرسه ای دوران دبیرستانش می گذشت صدای ضعیفی را می شنید که وی را صدا می کرد، او اطرافش را نگاه کرد و دید که دوست قدیمی اش با چشمانی گریان از وی کمک می خواهد، این دختر که از رفتار دوستش شوکه شده بود متوجه کاغذ بزرگی شد که روی آن نوشته شده بود به پلیس زنگ بزن! در ادامه، دختر جوان که گریه های سوزناک دوستش را می دید به پلیس ۱۱۰ زنگ زد و ماجرا را برایشان تعریف کرد و دقایقی بعد تیمی از پلیس برای بررسی ماجرا وارد عمل شدند و هر چقدر زنگ در را به صدا در آوردند، کسی جوابگو نشد. هنگامی که پلیس در حال ترک کردن کوچه بود، دختر جوانی از داخل آن خانه با فریادهای کمک، کمک از رفتن پلیس جلوگیری کرد و وی که داخل حیاط ایستاده بود با گریه و خواهش از پلیس خواست تا به او و مادرش کمک کنند. بدین ترتیب پلیس با اجازه صاحبخانه در خانه را شکست و وارد شد و بازن ۵۰ ساله و دخترش که از شدت گریه نمی توانستند حرف بزنند روپوش شدند. زن ۵۰ ساله که «زهرا» نام دارد پس از اینکه آرام شد پرده از رازی ۱۰ ماهه برداشت و به مأموران گفت: پسر یکی از شرورهای محل

راز قتل زن جوان بعد از ۱۰ ماه از گم شدن او فاش شد



دیگری است و همین باعث شده که از من فاصله بگیرد. این تصور ذهن من را مسموم کرده بود و کم کم داشت من را به جنون می کشاند. روز حادثه وقتی به خانه رسیدم با مهناز جگر و بیختم شد. او با هم حرف طلاق را پیش کشید و من که به شدت عصبانی شده بودم او را روی تخت انداخته و روی سینه اش نشستم. من جسد را با خودم به باغ شخصی مان در کردان منتقل کردم. آنجا یک چاه آب عمیق وجود داشت که جسد را در آن انداخته و رویش خاک ریختم. متهم با این توضیحات اظهار داشت که ماجرای دیدن یک مرد غریبه دروغ بوده است. به این ترتیب مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به همراه تیم تشخیص هویت بار دیگر راهی نشانی جدیدی شدند که متهم به عنوان محل رها سازی جسد اعلام کرده بود. این چاه بسیار عمیق بوده و آتش نشانیان ۲ روز تلاش کردند تا بالاخره جسد مهناز را در عمق ۱۴ متری کشف کردند. به این ترتیب راز قتل زن جوان بعد از ۱۰ ماه از گم شدن او فاش شد. بنا بر این گزارش رسیدگی به این پرونده تا صدور کیفرخواست در دادسرای جنایی تهران ادامه خواهد داشت.

گروه حوادث - یک مرد ادعا می کرد که زنی را هنگام خیانت دیده و او را به قتل رسانده است. نزدیک به یکسال پیش بود که خبر گم شدن یک خانم به نام مهناز از طریق خانواده اش به پلیس اطلاع داده شد و در این میان تحقیقات آغاز شد.

آغاز تحقیقات پلیس

با اعلام این خبر اولین کسی که تحت تحقیق قرار گرفت شوهر ۵۰ ساله مهناز به نام باسر بود. او در برخورد ابتدایی با مأموران ادعا کرد که خبری از همسرش ندارد. می گفت روز حادثه همسرش از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته است. باسر با داستان سرائی سعی می کرد پرونده را از مسیر حقیقت دور کرده و مأموران را گمراه کند. اما با گذشت ۱۰ ماه از گم شدن مهناز، در حالی که شوهر او بارها تحت بازجویی تخصصی قرار گرفت. ضد و نقیض گویی هایش سبب شد ظن بازپرس پرونده به او بیشتر شده و تحقیقات فنی با حساسیت بیشتری ادامه پیدا کرد.

بنابراین در جریان بازجویی ها، باسر راهی جز افشای حقیقت برایش باقی نماند.

یک حقیقت برملا شد

متهم در ابتدا بعد از اعتراف به قتل ادعا کرد که سر همسرش به دیوار خورده بود. «من و همسرم اختلافی با هم نداشتیم و ۲۰ سال با خوبی و خوشی در کنار ۲ فرزندمان زندگی می کردیم. من مکانیک بودم و با اینکه شغل من سخت بود اما مستحی ها را به جان می خریدم برای اینکه زن و بچه ام راحت زندگی کنند. همه چیز بین ما خوب بود تا اینکه اخیراً همسرم به من شک کرده بود و می گفت تو به من خیانت می کنی. این فکری اساس او باعث شده بود ارتباط ما تیره و تار شود. من همه تلاشم را برای ایجاد محبت در دل همسرم می کردم اما فایده ای نداشت. حازه در باغ پیدا شد

یاسر در ابتدا ادعا کرده بود که روز حادثه مرد غریبه ای را در حال فرار از خانه خود دیده که این سبب خشم او و درگیری اش با مهناز شده است. اما زمانی که مجدداً تحت بازجویی قرار گرفت گفت: «رفتار سرد مهناز باعث شده بود به او شک کنم. با خودم فکر می کردم شاید دلش در گرو فرد

درگیری دو همسایه با قتل زن و شوهر تمام شد



گروه حوادث - رئیس پلیس آگاهی پایتخت از بازداشت فردی خبر داد که در محله کارگر جنوبی یک زوج جوان را به قتل رسانده بود. سردار علی ولیپور گو درزی گفت: صدای درگیری ۲ همسایه در یک ساختمان، سکوت صبحگاهی محله کارگر جنوبی را در هم شکست و خیلی زود موقع جنایتی هولناک به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش داده شد.

وی افزود: طولی نکشید که ماجرای این مرگ مشکوک در بیسیم کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ پیچید و خیلی زود به همراه تیم بررسی صحنه جرم پای در ساختمان مورد نظر گذاشتند. این مقام انتظامی عنوان کرد: تیم جنایی در راه پله های ساختمان مورد نظر با جسد زن و شوهر جوانی مواجه شدند که بر اثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بودند و یک پسر حدوداً سه ساله با لباس خونین و چهره بهشت زده که فرزند ۲ مقتول بود، در صحنه جنایت حاضر بود و بررسی ها نشان می داد که او این درگیری مرگبار را از نزدیک مشاهده کرده است. سردار گو درزی گفت: مأموران تیم تشخیص هویت پلیس آگاهی در نخستین گام از روی اجساد و صحنه جرم اقدام به انگشت نگاری کردند. گزارش های اولیه نیز حکایت از آن داشت که این زن و شوهر در جریان درگیری با یکی از همسایه ها به قتل رسیده اند و عامل این جنایت قبل از رسیدن پلیس فرار کرده است. وی افزود: بدین ترتیب اقدامات اطلاعاتی آغاز شد و طولی نکشید ترده متهم در همان حوالی صحنه جرم شناسایی شد که در ادامه تیم پلیسی او را به اتهام مباشرت در قتل عمدی بازداشت کردند. رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: متهم، ماجرای جنایت را این طور توضیح داد، چند وقت پیش در یکی از واحدهای این ساختمان ساکن شدم و در همان ابتدا با مرد همسایه به خاطر مسائل ساختمانی اختلاف پیدا کردم، حتی به خاطر این موضوع در دادسرای محله شکایت خود را

ثبت کردم اما به نتیجه ای نرسیدم. ساعتی قبل طبق معمول به خاطر شارژ و دیگر مسائل ساختمانی با همسایه مشاجره پیدا کردم و به خانه آمدم؛ خیلی عصبانی شدم به همین خاطر چاقویی را برداشتم و برای ترساندن به خانه آنها رفتم. مرد همسایه بیرون آمد که با یکدیگر درگیر شدیم و در جریان این نزاع با ۱۴ ضربه چاقو او را به قتل رساندم. همسر مقتول که فرزندش را به آغوش کشیده بود به سمت آشپزخانه رفت و چاقویی را برداشت، او قصد داشت به من حمله کند که به او نیز ۳ ضربه وارد کردم؛ سپس آنها در نزدیکی هم روی زمین افتادند و جان دادند، پسر سه ساله این زوج نیز شاهد جنایت بود. سردار گو درزی عنوان کرد: پس از پایان بررسی صحنه جرم و اظهارات تکانه هنده، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی مأموریت یافتند با اقدامات فنی و اطلاعاتی تحقیقات خود را در رابطه با این پرونده ادامه دهند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۰۶۲۶/۰۱
به نام سعیده حاجبی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

خیاطی

خیاطی حبیبی
بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱
۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸

اپلیکیشن خدماتی

دوستم
اپلیکیشن خدماتی کیش
غذا، مارکت، خرید، دلیوری و...
www.Dustam.com
۰۹۹۶۶۷۷۳۳۳۷

استخدام

روزنامه اقتصاد کیش استخدام می کند
خانم مسلط به شبکه های اجتماعی
و فضای مجازی
برای فعالیت و مدیریت گروه ها
تلفن هماهنگی:
۴۴۴۲۰۲۸۴

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۶۵۲۶۰/۰۱
به نام حانیه محمدی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

ساختمان

تعمیرات و تأسیسات منزل
لوازم آشپزخانه آب - برق
۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰

درب اتوماتیک

درب های اتوماتیک
دارکوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با
تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک
تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع،
روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش
۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳
با مدیریت عسکری

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی
فوری - مطمئن

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲